

نگاه تربیتی به روابط عاطفی زوجین در آموزه‌های دینی

دکتر علی نقی فقیهی*

چکیده

هدف مقاله تبیین نگاه تربیتی به روابط عاطفی همسران در آموزه‌های دینی است و روش پژوهش حاضر، توصیفی-تحلیلی می‌باشد. بر این اساس، برخی از آموزه‌های دینی در قلمرو توانمندی‌های زوجین در زمینه روابط عاطفی آنان، توصیف محتوایی شده و آثار تربیتی روابط عاطفی مؤثر میان همسران بررسی شده است. نتیجه بررسی‌ها گویای آن است که از جمله مهم‌ترین توانمندی‌های عاطفی همسران در سطح شناختی و نگرشی، مثبت‌نگری و حسن ظن و داشتن نگرشی نعمتی به وجود همسر و در سطح رفتاری و عملکردی، برخورد محبت‌آمیز با همسر و داشتن رابطه زناشویی مناسب و لذت‌بخش است. توانمندی‌های عاطفی بیان شده، در صورت شکوفا شدن می‌توانند تأثیرات عمیقی بر روابط عاطفی همسران داشته باشد و در نتیجه آثار تربیتی مثبتی از جمله خوش اخلاقی، قدرت کنترل خشم، پرهیز از مراء و جدال و تقویت رابطه با خدا و عشق به پروردگار را بر هر یک از آنها، بر جای بگذارد.

واژه‌های کلیدی: نگاه تربیتی، روابط همسران، توانمندی‌های عاطفی، نقش تربیتی، فطرت، آموزه‌های دینی

درآمد

در نگرش اسلامی، زن و مرد به گونه‌ای آفریده شده‌اند که به صورت طبیعی دارای گرایش و میل به روابط عاطفی با یکدیگر هستند و این از آن جهت است که این روابط در ارتقای سلامت روان و پرورش استعدادهای تربیتی آنان بسیار مؤثر است. اینکه هر یک از زوجین از چه عواطف اصیلی برخوردارند؟ مسئولیت‌هایشان در پرورش، رشد و کمال آنها چیست؟ و چگونه باید آنها را هدایت کنند و در فرایند زندگی مشترک از چه شیوه‌هایی بهره‌برند تا در بهسازی شخصیت خودشان و تأثیرات تربیتی بر روی یکدیگر موفق شوند؟ همه موضوعاتی است که دین با نگاه تربیتی، در آموزه‌های خود لحاظ کرده است.

از منظر دینی، آفرینش زن و مرد با توجه به اهداف تربیتی که خدا، برای آنان ترسیم کرده، شکل گرفته است. بر این اساس، همه توانمندی‌های لازم در وجودشان تعبیه شده است. این توانمندی‌ها به اندازه کفایت در وجود هر یک از آدمیان خلق شده است تا در زندگی و فرایند پرورش و تحول به سوی سعادت، از آنها بهره‌مند شوند. امام سجّاد(ع) در دعای پنجاهم صحیفه به توانمندی‌های تکوینی و همه جانبه آدمی به قدر کفایت اشاره کرده که برای رفع نیازها و رشد تربیتی آنها، خداوند در وجودشان خلق کرده است^۱ و آن را صنعت‌های کریمانه و شرافتمندانه و با ارزش بی‌شماری دانسته که خداوند در آفرینش آدمی به کار گرفته است.^۲

از جمله این توانمندی‌های سرشتی، توانمندی‌های عاطفی است که در هر یک از زن و مرد ایجاد کرده است تا با استفاده از آنها، اهداف عالیه تربیت را برای خویش تحقق بخشند. در آیه ۲۱ سوره روم،^۳ خلقت توانمندی‌های عاطفی در زن و مرد از نشانه‌های قدرت و تدبیر پروردگار دانسته شده است. عواطفی که در ساختار آفرینش انسان‌ها (مذکر و مؤنث) از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و مهم‌ترین نقش را در تحقق اهداف تربیتی دارد. در همین راستا، مقاله حاضر در نظر دارد تا با تبیین این توانمندی‌ها و روابط عاطفی همسران با نگاهی به آموزه‌های دینی، نقش این عنصر مهم و آثار آن را در دستیابی به اهداف تربیتی در روابط زوجین بیش از پیش آشکار نماید.

۱. «و رَزَقْتَنِي فِي أُمُورِي كُلِّهَا الْكَفَايَةَ».

۲. «... و كم من صنيعه كريمه لك عندي».

۳. «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ».

مفهوم عاطفه و توانمندی‌های عاطفی

عاطفه در لغت، از ریشه عطف است و به معنای توجه مهربانانه، تمایل، روی آوردن و مهرورزی به دیگری است (طباطبایی، ۱۳۵۴، ص ۴۴۴؛ المقری الفیومی، ۱۳۴۷ق، ج ۲، ص ۷۶؛ طریحی، بی‌تا، ج ۵، ص ۱۰۱) می‌نویسند: عاطفه شتر به بچه‌اش به معنی تمایل مهربانانه او به بچه‌اش می‌باشد، به گونه‌ای که باعث سرازیر شدن شیر به پستانش برای استفاده وی می‌گردد.^۱ عطف به مفهوم یکی به دیگری متمایل شدن یا یکی از دو طرف یک چیز روی طرف دیگر افتادن است (راغب اصفهانی، ۱۳۷۳، ص ۳۳۸).

عاطفه همسران عبارت است از: توجه به دیگری، به نحوی که ذهن فرد به خودش معطوف نیست. این توجه به دیگری، همراه با مهربانی و احساس فروتنی و کمک به اوست. عطف بودن خدای متعال نسبت به بنده‌اش، نیز، به معنای توجه با رأفت و رحمت به بنده است، این توجه همراه با لطف خدا به بنده‌اش آن چنان قوی است که عقل بشری تحلیلش آن است که گویا پروردگار عظمت، حق مولویت و الوهیت خویش را از یکسو و عدم شایستگی بنده و عصیان او در برابر خدا را از سوی دیگر مورد توجه قرار نداده و بنده‌اش را غرق در محبت و رحمت خود کرده است (طریحی، بی‌تا، ج ۵، ص ۱۰۱).

منظور از توانمندی‌های عاطفی این است که در انسان کشش‌هایی وجود دارد که بر اساس توجه به خود و تأمین احتیاجات و منافع فردی نیست، بلکه در افقی برتر از این نوع گرایش‌ها است. انگیزه اصلی محرک آدمی در آن، دیگرخواهی است که در عرض کشش و تمایلات فردگرایانه در وجود انسان فعالند؛ مانند حبّ فرزند، دوستی، مهر و محبت نسبت به انسان دیگر، همدردی با دیگران و از خود گذشتگی و مانند آن که در این امور، خود فردی انسان هدف نیست، بلکه تمایل به دیگری و تعلق به غیر به خوبی مشهود است. از این نوع گرایش‌ها که توجه انسان را به طور آگاهانه از محور «خود» خارج و به سمت «غیر» معطوف می‌کند، به «عاطفه انسانی» تعبیر می‌شود. این استعداد که موهبت الهی است، از جمله امتیازات عالم انسانی و در اصل، پرتوی از بعد الهی و ملکوتی انسان است. بر اساس این استعداد فطری، انسان قادر است یک گرایش درونی بر اساس مهر و محبت به هم‌نوع خود بیابد و از این راه، به ایجاد پیوند قلبی، انس و الفت با او بپردازد.

۱. «عظفت الناقة علی ولدها من باب ضرب: حنت علیه و در لبتها».

در مقابل عاطفه، عطف و روی برتافتن از دیگری، بی‌توجهی به دیگری و صرفاً خود و امیال خود را دیدن و یا توجه متکبران و طلبکارانه به دیگری داشتن و یا توجه به دیگری به انگیزه رسیدن به خواسته‌های خویش است و بس. در حقیقت نگاه دوم به دیگری داشتن، ضد عاطفه است که در آیه ۹ سوره حج^۱ از آن به ثانی عاطفه تعبیر شده است. بر اساس این آیه، عاطفی نبودن و روی برگرداندن و اعراض کردن، وصف برخی از افرادی است که از فطرت خود بیگانه شده و به دلایل عارضی از خواسته‌های عاطفی طبیعی و فطری منحرف شده‌اند و به امتیازات و خوبی‌ها، حق‌ها و زیبایی‌های دیگران، نیز بی‌توجهند و علم آگاهانه ندارند. اینان به دلیل عدم پرورش امیال فطری‌شان، از حق و راه خدا اعراض می‌کنند، گمراه می‌شوند و در صدد گمراهی دیگران نیز بر می‌آیند (طباطبایی، ۱۳۹۲ق، ج ۱۴، ص ۳۸۲-۳۸۳).

رابطه توانمندی‌های عاطفی و عقلی

در نگرش حدیثی، توانمندی‌های عاطفی از عقل آدمی سرچشمه می‌گیرند و منشأ همه توانمندی‌های عاطفی عقل دانسته شده است. بر اساس حدیث عقل و جهل، عقل انسان دارای همه توانمندی‌های فطری، مثبت و مطلوب است و توانمندی‌های عاطفی چون: گرایش به خوبی‌ها، دوستی با خدا، عفو و بخشش، فروتنی نسبت به دیگر آدمیان، روی آوردن مهربانانه به دیگران، همراهی و دلداری با کسی، وفاداری، دوستی، ملایمت و مدارا، الفت و همدمی و مانند آن نیز از جنود عقل دانسته شده است (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ص ۱۱۰، ۷؛ آمدی، ۱۳۷۳، ج ۳، ص ۳۲۹).^۲

همان‌طور که عقل، پایه ایمان واقعی است و شناخت می‌دهد و باعث باور و پذیرش نسبت به خدا و متعلقات ایمان می‌شود، اساس عواطف مطلوب نیز از عقل سرچشمه می‌گیرد. عقل است که علاوه بر اینکه شناخت عواطف فطری و متمایز دیدن آنها از هواهای نفسانی و کشش‌های شیطانی را به عهده دارد و ارزش بالای تمایلات فطری و نقش مهم آنها را در هدایت و ارتقای کمالی آدمی تشخیص می‌دهد؛ شکوفاسازی

۱. «وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يُجَادِلُ فِي اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَلَا هُدًى وَلَا كِتَابٍ مُبِينٍ تَأْتِي عَطْفُهُ لِيُضِلَّ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ».

۲. امام صادق (ع) می‌فرماید: «فكان مما اعطى العقل... الخير و هو وزير العقل... والایمان... والرحمة... والتواضع... والعفو... والرقّة... والتعطف و ضده القطیعه... والمواساة... والوفاء... والحب... والمداراة... والالفة...» و امام علی (ع): «ثمره العقل مداراة الناس».

توانمندی‌های دوستی و مودّتی و گرایش به خیر و خوبی و دیگر عواطف مطلوب را در رأس اموری که باید به آنها توجه شود، می‌بیند و افزایش کشش فرد به گرایش‌های عاطفی مطلوب و درون‌سازی آنها را موجب می‌گردد (حرّ عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۶، ص ۲۹۵؛ آمدی، ۱۳۷۳، ج ۱، ص ۳۵۴). عملیاتی ساختن روابط عاطفی نیز فقط با تدبیر عقلانی میسر می‌شود؛ زیرا عقل چراغی است که می‌تواند مسیر عواطف را روشن کند و درست تشخیص دهد چه رابطه‌ای؟ با چه کسی؟ در چه موقعیتی؟ به چه مقدار؟ چگونه؟ با چه انگیزه‌ای؟ و به بار نشستن چه نتایجی؟ مؤثر، مفید و مطلوب است و به طور کلی هدایت همه عواطف را به عهده دارد. از این رو است که نخستین کاربرد عقل دوستی و مودّت است (آمدی، ۱۳۷۳، ج ۲، ص ۳۸۴)^۱ و نیمی از تلاش عقل به اندیشه و تدبیر در روابط محبّتی و عاطفی معطوف است (نهج‌البلاغه، حکمت ۱۴۳).^۲

ویژگی‌های فطری روابط عاطفی همسران

ویژگی‌های فطری انسان که زن و مرد در آنها مشترکند، بسیار زیادند. از میان این ویژگی‌های فطری، ویژگی‌ها و توانمندی‌هایی که منشأ روابط عاطفی، قلبی، احساسی و رفتاری در زندگی همسران است و می‌توانند با شکوفاسازی آنها، تأثیرات تربیتی عمیقی بر یکدیگر بگذارند، امیال و توانمندی‌های عاطفی نامیده می‌شوند. آشکارترین این توانمندی‌ها دوستی پروردگار، گرایش به خداپرستی، نیاز به محبّت دیدن و محبّت کردن، انسان‌دوستی، گرایش به جنس متفاوت، مونس‌خواهی، آرامش‌طلبی، لذت‌خواهی، دوری از درد، خیرخواهی و فضیلت‌دوستی، عزت‌طلبی، حقیقت‌جویی، زیبایی‌طلبی، گرایش به نظم و تعادل‌خواهی است.

مجموعه این امیال فطری منشأ روابط فرد با خدا، ارزش‌ها، انسان‌ها، خود و جهان هستی است و در صورت تربیت و شکوفایی، مهارت‌هایی برای هر یک از مرد و زن، ایجاد می‌کند که هر کدام جداگانه و یا با ترکیبی از دو یا چند مورد از آنها، بتوانند تأثیرات تربیتی مطلوب را در یکدیگر بگذارند و در فرایند سیر کمالی و ارتقایی به هدف قرب، همدیگر را کمک کنند. به دلیل تأثیرات تربیتی روابط عاطفی است که در احادیث به برقراری انواع روابط مطلوب عاطفی مؤمنان نسبت به همدیگر زیاد تأکید

۱. امام علی(ع): «التودّد نصف العقل».

۲. «یا معشر المؤمنین تألفوا و تعاطفوا».

شده است. امیرالمؤمنین(ع) در خطبه نماز عید فطر در جمع مردم آنان را به رفتار عاطفی امر می کند و می فرماید: «بر اساس نیکی و تقوا با یکدیگر همکاری داشته باشید و با همدیگر با مهربانی و عطف رفتار کنید»^۱ (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۹۱، ص ۳۱). و امام باقر(ع) خطاب به مؤمنان می فرماید: «ای مردم مؤمن، همدم یکدیگر باشید و با الفت، عطف و مهربانی با هم رفتار نمایید» (همان، ج ۷۵، ص ۱۸۷). و یا می فرماید: «خداوند دستور داده که با هم مهربان باشید و به همدیگر نیکی کنید و با روی خوش با هم مواجه شوید» (همان، ج ۳۳، ص ۵۶۷).

اسلام و نقش تربیتی همسران نسبت به یکدیگر

از دیدگاه دینی، تربیت، شکوفاسازی استعدادها و توانمندی های فطری است و هرگونه فعالیتی که انبیاء، معلمان، والدین و یا هر شخص دیگری به منظور شکوفاسازی استعدادها ی فطری از طریق اثرگذاری بر شناخت، نگرش، اخلاق و رفتار یک فرد دیگر انجام می دهند و اهداف از پیش معین شده الهی را از خلقت انسان تحقق می بخشند، تربیت محسوب می شود (حسینی زاده، ۱۳۸۶، ص ۱۲).

این از یک سو و از سوی دیگر از منظر دین، تعلیم و تربیت برای تحقق هدف غائی آفرینش است. بنابراین، در نگرش اسلامی پیوندی میان ساختار و نحوه آفرینش آدمی، هدف غایی آفرینش و تعلیم و تربیت وجود دارد. ویژگی های وجود آدمی و توانمندی هایش، مبانی تعلیم و تربیت و هدف خلقت، غایت تعلیم و تربیت است و قواعد کلی که از همان ویژگی های سرشتی و توانمندی ها خدادادی کشف می شود. اصول تعلیم و تربیت و نوع فعالیت های کاربردی در مسیر هدایت، برای رسیدن به هدف غائی آفرینش، جزء روش ها به شمار می روند (فقیهی، ۱۳۸۵، ص ۱۷۷-۱۷۸). این هماهنگی و پیوند، در نظام تربیتی انبیاء مشهود است؛ زیرا آنان به آموزش قواعد و اصول زندگی منطبق با ظرفیت های فطری آدمی، ترسیم مسیر زندگی همیشگی، تنظیم روابط آدمی با خدا، خود، دیگران و جهان هستی، تعیین وظایف و فعالیت های هدایت کننده که زمینه رسیدن به هدف غائی و قرب الهی را تسهیل می کند، پرداخته اند.

اصولاً همه آموزه های دینی برای تربیت انسان ها است. چون هدف محوری بعثت پیامبران و از جمله پیامبر اسلام، تربیت و تعلیم است (بقره، ۱۲۹ و ۱۵۱؛ آل عمران،

۱. «امرکم ان تعاطفوا و تباروا و تباشروا».

۱۶۴؛ جمعه، ۲). آموزه‌های دینی به دو دسته کلی تقسیم می‌شوند؛ یک دسته آموزش حقایق هستی و معارف مربوط به ایمان و اعتقادات است و دسته دیگر اوامر و نواهی مربوط به عملکردهای آدمیان است. در دین، هر دو دسته، آموزش داده شده است تا استعدادهای افراد پرورش یابد و به کمالات شایسته انسانی آراسته گردند. از جمله اوامر و نواهی دین، دستورات دینی در زمینه روابط میان همسران است که مسئولیت‌های تربیتی آنان را نسبت به یکدیگر تبیین می‌کنند.

زن و مرد با ازدواج، اهل یکدیگر می‌شوند و قرآن در آیه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا...» (تحریم، ۶)، هر مؤمنی را، اعم از زن و مرد، موظف کرده است که اهل خود را از انحراف از فطرت انسانی و آلودگی به بی‌دینی، بی‌اخلاقی و رفتار خلاف ادب، که سرانجام آن آتش است، مصون نگه دارد. در احادیث وارده در تفسیر این آیه، به ابعاد مختلف نقش تربیتی^۱ همسران (به نقل از محمدی ری شهری، ۱۳۸۷، ص ۲۵۰) و مسئولیت آنان برای تحقق این حصن و پیشگیری از انحراف از مسیر فطرت پرداخته شده است. آنان موظف شدند تا اهل خود را دین بیاموزند و آنها را به آداب دینی تربیت کنند (دیلمی، ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۲۷)،^۲ خیر و خوبی‌ها را به آنان آموزش دهند» (به نقل از محمدی ری شهری، ۱۳۸۷، ص ۲۵۰)،^۳ با امر به نماز آنان را در حصن ویژه قرار دهند (فیض الاسلام، ۱۳۶۳، ص ۱۵۷)^۴ و زمینه هدایت و ارشاد برایشان فراهم سازند تا از اوامر و نواهی خدا اطاعت کنند، در این صورت است که اگر ارشاد وی آنان را مطیع دستورات خدا ساخت، با کمک وی آنان در حفاظت و وقایه قرار داده شده‌اند و اگر هم مؤذّب به آداب الهی نشوند، همسر به مسئولیتش نسبت به اهل بیت خود، عمل کرده است (طبرسی، ۱۴۱۴ق، ص ۲۱۷)،^۵ با آموزش محتوای قرآن، به‌ویژه سوره نور (صدوق، ۱۳۸۶، ص ۴۶)^۶ و سوره فتح، زنان را

۱. امام علی (ع) در باره آیه: «قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا» فرمود: «علموهم و ادبوهم».

۲. «تفقههم بالدين و تاديبهم بالآداب الشرعية».

۳. امام علی(ع) در باره آیه: «آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا» فرمود: «علموا انفسكم و اهليكم الخير».

۴. امام باقر(ع) در بیان یکی از مصادیق حفظ اهل آیه «وَأْمُرُ أَهْلِكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا» (طه، ۱۳۲) را قرائت کرد.

۵. «يامرهم بما امرالله و ينهاهم عما نهاهم الله، فان اطاعوا كان قد وقاهم و ان عصوا كان قد قضى ما عليه».

۶. امام صادق(ع): «حصنوا بها نساءهم».

در حصن قرار دهند (همان، ص ۱۱۵)^۱ و حتی در این احادیث به تهیه لباسی که پوشش مناسب برایشان به خصوص برای زنان باشد، توجه شده است تا باعث محافظت بدن آنان شود (ورام بن ابی فارس، بی تا، ج ۲، ص ۷۸).^۲

مکارم شیرازی (۱۳۸۸، ص ۵۶۰) حتی بدون توجه به این گونه احادیث، با اشاره به صراحت دلالت آیه می نویسد: از آیه به خوبی استفاده می شود که انسان در قبال همسر و فرزندان خویش مسئولیت سنگین دارد و موظف است در تعلیم و تربیت آنها بکوشد، آنها را از گناه باز دارد و به نیکی دعوت کند.

توانمندی‌های عاطفی مؤثر در نقش تربیتی همسران

بر اساس آموزه‌های اسلامی، عاطفه، توجه و روی آوردن همسران به یکدیگر باید به نحوی تحقق یابد که بتواند اثر تربیتی عمیقی نسبت به همدیگر داشته باشند. به منظور تأثیر متقابل تربیتی همسران روی یکدیگر، باید ساختار روابط عاطفی آنان از عناصر زیر تشکیل شود:

الف) مثبت‌نگری و حسن ظن

بر اساس آموزه‌های دینی، همسران مؤمن باید نسبت به هم دید مثبتی داشته باشند و نسبت به همدیگر به طور مثبت فکر کنند و بیاندیشند. امام سجاد(ع) می‌فرماید: «حق همسر تو این است که بدانی خدا او را مایه آرامش، راحتی، انس و الفت تو و محافظ تو قرار داده است»^۳ (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۰ق، ص ۲۶۸).

زن و شوهر باید نسبت به هم حسن ظن داشته باشند و از داشتن ذهنیت بد و سوءظن به یکدیگر پرهیز کنند. رسول اکرم(ص) فرمود: «مرد مؤمن نباید نسبت به زن مؤمن ذهنیت بد پیدا کند. اگر از یکی از ویژگی‌های شخصیتی و رفتاری او خوشش نیامد، به دیگر ویژگی‌های خوب و شایسته او توجه کند (به نقل از حکیم، ۱۳۸۳، ص ۴۱۰).^۴ امام صادق(ع) فرمود: «رحمت دائمی خدا شامل بنده‌ای است که نیکوترین گزینه را در روابط بین خود و همسرش بر می‌گزیند»^۵ (صدوق، ۱۳۶۷، ج ۳، ص ۴۴۳).

۱. امام صادق(ع): «حصنوا... نسانکم و ما ملکت ایمانکم من التلف».

۲. «امام علی(ع): یا ایها الناس اتخذوا السراویلات فانها من استر ثیابکم و حصنوا بها نسانکم اذا خرجن».

۳. «اما حق رعیتک بملک النکاح، فان تعلم ان الله جعلها سکناً و مستراحاً و انسا و واقیه».

۴. «لا یفرک مؤمن مؤمنه إن کرهته منها خلقتاً رضی منها آخر».

۵. «رحم الله عبداً أحسن فیما بینه و بین زوجته».

به نظر می‌رسد با توجه به اینکه از نظر عرفی، دید خوب و مثبت داشتن زوجین نسبت به یکدیگر، از انواع روابط حسنه آنان به حساب می‌آید. منظور امام صادق (ع) از اینکه نیکویی روابط را به صورت مطلق، مورد توجه قرار داده است، شامل انواع روابط و از جمله رابطه نگرشی نیز می‌باشد.

ب) نگرش نعمتی

همسران نه تنها درباره یکدیگر نباید دید منفی داشته باشند، بلکه باید وجود هم دیگر را با ارزش و عزیز بدانند و هر یک دیگری را نعمتی بدانند که خداوند متعال به وی اعطا کرده است. امام سجاد (ع) بعد از تبیین حق مثبت‌نگری هر یک از زوجین نسبت به هم، حق نگرش نعمتی به هم داشتن را مطرح کرده و می‌فرماید: «هم چنین بر هر یک از شما همسران واجب است که خدا را شکرگزار باشید و او را بستایید، برای اینکه چنین همسری را نصیبتان کرده است. همه باید بدانید و این دید را داشته باشید که همسر نعمتی است از خدا که به او اعطا شده است. (و از این رو) واجب است که با نعمت خداوند، مصاحبت و رابطه نیکو، برقرار سازند و او را گرامی بدارند و با او مدارا کنند»^۱. بر این اساس، زوجین باید نگرش همسری و هم‌سطحی به یکدیگر داشته باشند و هیچ کدام خود را نسبت به دیگری برتر تلقی نکند و بالاتر نداند؛ زیرا هر دو نعمت با ارزش پروردگارانند. همان طور که هر دو راع و در عین حال، رعیت یکدیگرند (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۰ق، ص ۲۶۱ و ۲۶۸).^۲

در آموزه‌های دینی برای پرورش نگرش نعمتی همسران نسبت به هم، راهکارهای زیر مطرح شده است:

- توجه شود که پروردگار، توانمندی‌های درایتی و تدبیری، زیبایی‌های عاطفی و محبوبیت‌ها و مطلوبیت‌های فراوانی را به قدر کفایت (الصحیفه السجادیه، ص ۲۵۰، دعای ۵۰) در فطرت هریک از زن و مرد نهاده است که با تعاملات شناختی، روابط عاطفی و رفتارهای یاورانه و ایثارگرانه می‌توانند از زندگی سالم زناشویی برخوردار باشند.

۱. « و کذالک کل واحد منکما یجب ان یحمدالله علی صاحبه و یعلم ان ذالک نعمه منه علیه، و وجب ان یحسن صحبه نعمه الله و یکررها و یرفق بها»

۲. لازم به توضیح است که منظور از رعیت کسی است که به نحوی با فرد مرتبط است و به او نیاز دارد، همان‌طور که به جاهل رعیت عالم و به زن و شوهر رعیت یکدیگر اطلاق شده است.

- هر یک از همسران باور کنند که خدای متعال وجود هر یک از آنها را برای دیگری باعث آرامش (روم، ۲۱) قرار داده تا با انس با یکدیگر و حفظ آرامش روانی و افزایش امید، توانمندی‌های یکدیگر را در هدایت زندگی افزایش دهند.

- عشق‌ورزی مداوم همسران نسبت به یکدیگر، فضای روان‌شناختی سالمی را ایجاد می‌کند. و دید مثبت آنان را به یکدیگر افزایش می‌دهد و زمینه درک بهتر زیبایی‌ها و توانمندی‌های خدادادی و وجود نعمتی آنان را برای همدیگر فراهم می‌سازد (فیض الاسلام، بی تا، ص ۲۳۷؛ ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۰ق، ص ۳۲۳). شهید مطهری می‌نویسد: باید به ویژگی‌ها و توانمندی‌های فطری و اکتسابی هر یک از زن و مرد که در آموزه‌های دینی مطرح شده، توجه نمایند و آنها را در خود و همسر خویش شناسایی کنند و خدا را بر این زیبایی‌ها و نعمت‌ها بستایند و وظایف خود را در هر مورد در ابراز احساسات و عواطف و رفتارهای نیکو انجام بدهند. مثلاً بدانند که خدا مرد را به صورت طبیعی، مظهر طلب و عشق و تقاضا آفریده است و زن را مظهر مطلوب بودن و معشوق بودن، غریزه مرد، طلب و نیاز است و غریزه زن جلوه و ناز است (مطهری، ۱۳۸۴، ص ۱۵).

ج) میل به محبت

محبت به معنی دوستی و گرایش مثبت است که به صورت احساس در دل، ابراز زبانی و عاطفی و عملکرد مودتی خود را نشان می‌دهد. به عبارت دیگر، محبت حالت و کششی است لذت‌مند در انسان، نسبت به شخص یا چیزی که با وجود او ملامت و با تمایلات و خواسته‌هایش تناسب دارد (مصباح، ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۳۵۸-۳۵۹).

هر انسانی به صورت طبیعی دوست دارد از دیگری محبت ببیند و به دیگران نیز محبت کند. زنان و مردان نیازمند محبت یکدیگرند و می‌خواهند مورد محبت همدیگر قرار بگیرند و هر کدام محبوب دیگری باشند. همان گونه که دوست دارند به دیگری محبت کنند و با مهربانی رفتار نمایند. محبت از مهم‌ترین توانمندی‌ها در روابط عاطفی بشر است و اساس زندگی انسان‌ها بر آن استوار است. در نگرش دینی، اساس دین، محبت است و محبت گسترده همان دین است (مجلسی، ۱۴۱۳، ج ۶۹، ص ۲۳۸، ح ۹)¹. گنجینه بی‌انتهای روایات اسلامی که بیان تفسیر قرآن هستند، مملو و سرشار از بحث

۱. «الدین هو الحب و الحب هو الدین».

محبت در جنبه‌های گوناگون و ابعاد مختلف آن است. از موارد مهم مورد تأکید در روایات محبت همسران نسبت به یکدیگر است؛ به خصوص محبت مرد نسبت به زن که با محبت اولیای دین گره خورده است. امام صادق(ع) می‌فرماید: «هر کس علاقه‌اش به ما شدیدتر می‌شود، علاقه او به زنان نیز شدیدتر می‌گردد»^۱ (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۰، ص ۲۴) و یا میان محبت زیاد به زن با ازدیاد ایمان و کسب مراتب بالاتر ایمان، رابطه همبستگی وجود دارد (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۰۰، ص ۲۲۲).^۲ همچنین محبت به همسر، از اخلاق و منش انبیا دانسته شده است (کلینی رازی، ۱۳۶۲، ج ۵، ص ۳۲۰)^۳ و سنت عملی رسول اکرم(ص) و ائمه(ع) صراحت در اظهار علاقه به همسر بوده است (مطهری، ۱۳۸۸، ص ۱۲).

دلیل تأکید اسلام بر محبت مرد نسبت به زن این است که زن در مقام طبیعی خود در مقام محبوبیت و مرکزیت است و مرد در مقام طبیعی خود، در مقام و مرتبه یک فداکار و به صورت یک نقطه «گردان» در گرد یک نقطه مرکزی یعنی زن قرار دارد. از این رو، هر زمان که شعله محبت و علاقه مرد خاموش شود، ازدواج از نظر طبیعی مرده است ولی سلب علاقه زن موجب پایان این حیات نمی‌شود. طبیعت، علایق زن را پاسخ دهنده به علائق مرد قرار داده است. علاقه و محبت اصیل و پایدار زن همان است که به صورت عکس‌العمل به علاقه و احترام یک مرد نسبت به او به وجود می‌آید. از این رو، علاقه زن به مرد معلول علاقه مرد به زن و وابسته به اوست. از این رو، در احادیث بر ابراز علاقه مرد نسبت به زن بیشتر سفارش شده است. در حقیقت محبت طرفین در اختیار مرد است؛ مرد است که اگر زن را دوست بدارد و نسبت به او وفادار بماند، زن نیز او را دوست می‌دارد و نسبت به او وفادار می‌ماند. این مرد است که با بی‌علاقگی و بی‌وفایی خود نسبت به زن او را نیز سرد و بی‌علاقه می‌کند، برخلاف زن که بی‌علاقگی اگر از او شروع شود، تأثیری در علاقه مرد ندارد، بلکه حیثاً آن را تیزتر می‌کند. از این رو، بی‌علاقگی مرد منجر به بی‌علاقگی طرفین می‌شود، ولی بی‌علاقگی زن منجر به بی‌علاقگی طرفین نمی‌شود. سردی و خاموشی علاقه مرد مرگ ازدواج و پایان حیات خانوادگی است، اما سردی و خاموشی علاقه زن به مرد آن را به صورت مریضی نیمه

۱. « کَلِمَا مِنْ أَشْتَدَّ لَنَا حُبًّا أَشْتَدَّ لِلنِّسَاءِ حُبًّا ».

۲. « کَلِمَا أَزْدَادَ الْعَبْدَ لِلنِّسَاءِ حُبًّا أَزْدَادَ فِي الْإِيمَانِ فَضْلًا ».

۳. « مِنْ أَخْلَاقِ الْأَنْبِيَاءِ حُبُّ النِّسَاءِ ».

جان در می‌آورد که امید بهبود و شفا دارد. در صورتی که بی‌علاقگی از زن شروع شود، اگر مرد عاقل و وفادار باشد، می‌تواند با ابراز محبت و مهربانی علاقه زن را بازگرداند و این کار برای مرد اهانت نیست که محبوب رمیده خود را با روش‌های گوناگون نگه دارد تا تدریجاً او را رام کند (مطهری، ۱۳۸۵، ج ۱۹، ص ۲۶۳).

در مطلوبیت زندگی زناشویی، محبت نقش بسیار مؤثری ایفا می‌کند. صفا و صمیمیت، استواری خانواده، لذت و بهره‌مندی از زندگی، نشاط و خرمی کودکان و شکوفایی استعدادها و خدادادی در آنان و تلاش و کوشش و زنده ساختن روح امید و اعتماد در آنان از محبت همسران نسبت به یکدیگر سرچشمه می‌گیرد. در نظام تربیتی دینی، همسران برای شکوفاسازی این ویژگی فطری و ایفای نقش تربیتی خویش، مراودات تعاملات و همکاری‌هایشان با همدیگر را طوری شکل می‌دهند که با محبت، صفا و صمیمیت توأم است و روابطشان با بستگان، همسایگان، دوستان، برادران و خواهران ایمانی نیز براساس دوستی و مهربانی و رعایت حقوق آنها، سامان داده می‌شود. از دید دینی، محبت همسران دو ویژگی دارد: یکی اینکه دوستی‌شان خیر رساندن به همسر است و دیگر این که در رفتارهای ظاهری‌شان تأثیر می‌گذارد و همه اعمال‌شان از روی محبت خواهد بود (مطهری، ۱۳۶۸، ص ۲۴).

برای پرورش محبت در همسر باید همسران به ارزشمندی مهرورزی، ثواب اخروی و تأثیرات آن بر ساختار سلامت روانی و فرایند آرامش و ارتقای عقلانی و معنوی همسر و در کل زندگی زناشویی خویش توجه کنند و به اظهار علاقه نسبت به یکدیگر بپردازند. نام یکدیگر را با تکریم و احترام ببرند و در سلام کردن بر یکدیگر پیشی بگیرند و سالروز تولد یکدیگر را جشن گرفته و خوشحالی کنند و هدیه بدهند. نقاط قوت، زیبایی‌ها و مهارت‌های یکدیگر را کشف کنند و آنها را بازگو نمایند تا محبت همه جانبه قلبی آنها را نسبت به هم افزایش دهد. هر یک خوشی‌های فردی‌اش را به زندگی خانوادگی پیوند بزند و در زندگی روزمره به نحوی عمل کنند که همواره خوشی‌ها با همسر و اعضای دیگر خانواده پیوند بخورد. برگزاری مراسم شادی، مسافرت‌ها، جشن تکلیف‌ها، اهدای جوایز، تشویق‌ها و... حتی‌الامکان با حضور و شرکت همسر باشد که خواه ناخواه بر روابط عاطفی و محبت‌آمیز با همسر تأثیر غیرمستقیم می‌گذارد.

د) روابط زناشویی

از جمله توانمندی‌ها در روابط عاطفی زن و شوهر که می‌تواند زمینه مؤثری را در رشد روانی و تحول تربیتی آنان فراهم سازد، روابط زناشویی و ارتباط جنسی و ارضاء غریزه جنسی آنان است که به صورت طبیعی هماهنگ با دیگر جنبه‌های فطری است.

از دیدگاه دینی پاسخگویی به نیاز غریزه جنسی بسیار مهم است و تأثیرات روانی و تربیتی فراوانی را به دنبال دارد. در نگرش دینی نه تنها بر وجود این غریزه و طبیعی بودن آن تأکید شده است، بلکه مورد مدح و ستایش نیز قرار گرفته است؛ زیرا روابط جنسی در انسان با دوست داشتن، انس و الفت، زیبایی‌خواهی، فضیلت‌جویی و محبت آمیخته است. از این روست که امام رضا(ع) می‌فرماید: «اگر درباره ازدواج و دامادی، آیتی محکم و سستی پیروی شده (از رسول خدا «ص»)) هم نبود، باز موضوع نیکی به خویشاوند و مأنوس شدن با بیگانه - که زمینه آن را خداوند، به صورت طبیعی در انسان‌ها قرار داده - انگیزه‌ای بود که خردمند صاحب‌دل، به ازدواج رغبت کند و عاقل درست‌اندیش به آن بشتابد» (کلینی، ۱۳۶۲، ج ۵، ص ۳۷۳).

همچنین پیامبر(ص) فرمود: «در اسلام، نزد خداوند بنایی محبوب‌تر و عزیزتر از ازدواج نیست» (صدوق، ۱۳۶۷، ج ۳، ص ۳۸۳). از این دو حدیث چند نکته به دست می‌آوریم:

۱. رابطه جنسی یک رابطه طبیعی است؛ ۲. عمل جنسی نه تنها مورد نکوهش واقع نمی‌شود و عملی پست نیست، بلکه خردمندانه است؛ ۳. بنای روانی - عاطفی انسان، با ازدواج و ارضای این غریزه طبیعی سامان می‌یابد و باعث خلق و خوی نیکو در روابط عاطفی و انسانی مطلوب می‌شود که همه محبوب خداوند متعال است؛ ۴. خردمندانه بودن ازدواج و محبوب بودن آن نزد خداوند به این علت است که ازدواج و ارتباط جنسی با احساسات عالی انسانی آمیخته است و زمینه‌ساز آن است که انسان عملاً به بسیاری از فضایل اخلاقی و روابط اجتماعی مناسب، روی آورد.

برای تقویت این رابطه، خدای متعال لذتی قرار داده است که به تعبیر امام صادق(ع) از تمام لذت‌های دنیوی و اخروی بالاتر است (کلینی، ۱۳۶۲، ج ۵، ص ۳۲۱).

آثار تربیتی روابط عاطفی بر همسران

شکوفاسازی توانمندی‌های عاطفی همسران در حیطه‌های نگرشی، گرایش‌ی و رفتاری، اشکال مختلف روابط و فعالیت‌های کلامی، احساسی و جنسی آنان را تحت تأثیر قرار

می‌دهد و باعث بروز ویژگی‌های اخلاقی و عملکرد مطلوب و انسانی در آنان می‌شود. توصیه‌های موکد بر فعال‌سازی توانمندی‌های عاطفی، در آموزه‌های دینی، حاکی از همبستگی روابط عاطفی با تربیت و معنویت است و توانمندی‌هایی چون مثبت‌نگری، نگرش نعمتی، محبت و روابط جنسی سالم در میان همسران می‌تواند آثار تربیتی فراوانی بر جای بگذارد. در زیر به بعضی از این آثار پرداخته می‌شود:

الف) خوش اخلاقی

حسن خلق از مهم‌ترین آثاری است که روابط مناسب عاطفی همسران بر جای می‌گذارد و اصولاً یکی از نتایج شکوفاسازی و پرورش مناسب توانمندی‌های فطری خوش اخلاقی است (آمدی، ۱۳۷۳، ج ۳، ص ۳۲۵).^۱ همسرانی که معقول فکر می‌کنند و نگرش نعمتی به یکدیگر پیدا کرده‌اند، از اخلاق پسندیده برخوردار خواهند بود (همان، ج ۱، ص ۳۳۹)^۲ و کسانی که نسبت به یکدیگر درک درستی ندارند و به ارزش‌های یکدیگر پی نبرده‌اند، در مواجهه با همدیگر بد اخلاقی می‌کنند (همان، ص ۳۹۹).^۳

همسرانی که تصور خوبی از همدیگر دارند و نسبت به هم مثبت می‌اندیشند، انگیزه‌هایشان برای مواجهه و رابطه با هم نیک می‌گردد (آمدی، ۱۳۷۳، ج ۵، ص ۱۳۶)^۴ و محبتشان به هم جلب می‌شود (همان ص ۳۷۹)^۵، نسبت به هم سهل‌گیر می‌شوند (همان، ص ۱۶۲)^۶ و همه رفتارهایشان را نسبت به هم پسندیده می‌کنند و بهترین برخورد را با همسرش برقرار می‌سازد. پیامبر اسلام (ص) فرمود: «بهترین شما آدم‌ها، بهترین شما برای همسرانتان هستید و من بهترین شما برای همسر هستم»^۷ (صدوق، ۱۳۶۷، ج ۳، ص ۵۵۵). همان‌طور که فرمود: «بدترین مردم کسی است که بر همسرش سخت‌گیری می‌کند و با رفتارهای غیر اخلاقی‌اش بر وی تنگ می‌گیرد» (محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۷، ص ۴۶۵).^۸

۱. «ثمرة الادب حسن الخلق»

۲. «الخلق المحمود من ثمار العقل»

۳. «الخلق المذموم من ثمار الجهل»

۴. «من حسن ظنه حسن نية»

۵. «من حسن ظنه بالناس حاز منهم المحبة»

۶. «من حسن ظنه اهل»

۷. «خيركم، خيركم لاهله و انا خيركم لاهلي»

۸. «شر الناس الضيق على اهله»

باید توجه داشت که با اخلاق و رفتارهای خوب هر یک از زن و شوهر، آن ریشه‌های نگرشی و گرایشی که باعث حسن اخلاق در آنان شده است، تقویت می‌شود و آنان نقش لباس را برای همدیگر بازی می‌کنند^۱ و نسبت به یکدیگر، به حفاظت، مراقبت، تزکیه، رفع آسیب، پرورش و رشد می‌پردازند. در حقیقت با این خوش اخلاقی‌ها ایمان را در یکدیگر افزایش می‌دهند.

امام سجاد (ع) فرمود: «چهار چیز است که اگر در کسی باشد، ایمانش کامل می‌شود. یکی از آنها این است که اخلاقش را با اهل و عیالش نیکو سازد»^۲ (مفید، بی‌تا، ص ۲۹۹). رسول اکرم (ص) نیکویی اخلاق را از جمله عناصر مکمل ایمان در خانواده دانسته و فرموده است: «به درستی که کامل‌ترین مؤمن از حیث ایمانی کسی است که نیکوترین اخلاق، لطف و مهربانی را با خانواده‌اش داشته باشد»^۳ (ترمذی، بی‌تا، ج ۵، ص ۹).

ب) کنترل خشم

از نیکوترین پیامدهای توانمندی‌های عاطفی و عقلانی، بردباری و کنترل خشم است (آمدی، ۱۳۷۳، ج ۶، ص ۲۳)^۴. نگرش مثبت و نگرش نعمتی به همسر، ساماندهی معقول معقول افکار، امیال و رفتارها را در ارتباط با وی در پی خواهد داشت. تدابیر عقلانی ناشی از نگاه مثبت نسبت به همسر و ارزشمند دانستن وجود وی، توانمندی عاطفی فرد را در برخورد با وی افزایش می‌دهد و باعث می‌شود مالک هواهای نفسانی خویش شود و بر او زود خشم نگیرد و بتواند با حلم و بردباری به حل و فصل مسائل پیش آمده بپردازد. امام علی (ع) فرمود: «عاقل با افزایش تدابیر عقلانی مالک نفس خویش می‌شود، خشم خود را مدیریت می‌کند، نسبت به هر خواسته‌ای خود را نمی‌بازد و ترس از چیزی او را به زانو در نمی‌آورد»^۵ (آمدی، ۱۳۷۳، ج ۲، ص ۱۱۱).

توانمندی عقلانی، آگاهی آدمی را تکمیل می‌کند، این آگاهی‌ها به ارزیابی صحیح و همه جانبه نسبت به مسائل می‌انجامد و موجب ایجاد حلم و بردباری در مواجهه با

۱. خداوند می‌فرماید: «هُنَّ لِبَاسٌ لَّكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٌ لَّهُنَّ» (بقره، آیه ۱۸۷)

۲. «اربع من کن فیہ کمل ایمانه... و حسن خلقه مع اهله»

۳. «ان من اکمل المؤمنین ایمانا احسنهم اخلاقا و الطنفهم باهله».

۴. «من أحسن أفعال القادر ان یغضب فیحلم».

۵. «العاقل من یملک إذا غضب و إذا رغب و إذا رهب».

مشکلات و مصائب می‌شود. در شرایط و موقعیت بردباری است که به وجوه و زوایای موضوع توجه می‌شود و زمینه کنترل خشم فراهم می‌گردد (آمدی ۱۳۷۳، ج ۴، ص ۶۲۸).^۱ بنابراین، نتیجه درک عالمانه و واقع‌بینانه از همسر، مدیریت حلیمانه خشم است (آمدی، ۱۳۷۳، ص ۸۷).^۲ عوامل تربیتی که تدابیر عقلانی همسران را بارور می‌سازد و زمینه‌ساز کنترل خشم آنان می‌شود، عبارتند از:

اولاً: توجه کنند که مجموعه‌ای از رذایل مانند تکبر و خود بزرگ‌بینی، غرور، فخرفروشی، لجبازی و هواپرستی^۳ موجب عصانیت افراطی و پرخاشگری می‌شود و باید نسبت به این عوامل، به خود و یکدیگر هشدار دهند و بیندیشند تا ریشه رفتار پرخاشگرانه خود را در آنها جستجو کنند و نسبت به مقابله با آنها اقدام کنند. آنها باید توجه نمایند که کنش همسر گرچه سوژه‌ای برای بروز رفتار پرخاشگرانه شده است ولی آن، عامل اصلی نیست، اگر مشکل درونی نباشد و ضعف و خواری احساس نشود و فرد از شخصیت بهنجار برخوردار باشد، عقل و تدبیر، وی را به گفتگوی منطقی و عاطفی می‌کشاند و با آموزش و زمینه‌سازی تربیتی باعث اصلاح رفتار همسر می‌شود. ثانیاً: بیندیشند که با پرخاشگری نه تنها مسئله حل نمی‌شود بلکه مسائل فراوان دیگری را پدید می‌آورد و باعث می‌شود در کشمکش‌های پرخاشگرانه گناهان بزرگی از آنان سر بزنند. توجه به اینگونه عوارض و پیامدهای منفی قدرت کنترل را در همسران بالا می‌برد.

ثالثاً: حتی‌الامکان از دوستی و همنشینی با افرادی که مشکل عصبی دارند، پرهیز شود؛ زیرا اخلاق و رفتار دوستان و همکاران برای یک فرد، الگو می‌شود و وی تحت تأثیر بد همنشینان، با همسرش پرخاشگری می‌کند و یا با تأثیرپذیری از فیلم و سریال جنایی و پلیسی اقدام به رفتاری خشمگینانه با همسر می‌کند. توجه به این عوامل و فراهم سازی شرایط دوری گزیدن از آنها در پیشگیری از رفتار پرخاشگرانه همسران مفید خواهد بود.

رابعاً: تقویت نگاه توحیدی به قضا و قدر و الطاف الهی و توجه به اینکه خدا برای بنده‌اش خیر می‌خواهد و به مصداق «الخير في ما وقع»، تفسیر و برداشت مثبت از

۱. «كمال العلم والحلم و كمال الحلم كثرة الاحتمال و الكظم».

۲. «ردة الغضب بالحلم، ثمرة العلم».

۳. «الهوى أسّ الفتن».

حادثه پیش آمده داشته باشد. مضافاً بر اینکه باید بدانند که هر یک از همسران، در مرحله قدر و امکان تغییر، اصلاح و هدایت مدبرانه مسئله نقش دارند و با توکل بر خدا به ایفای نقش پردازند و مسئله را به نفع خانواده حل کنند.

خامساً: با توجه به اینکه معمولاً رفتار پرخاشگرانه علیه افراد ضعیف به اجرا در می‌آید. اگر پرخاشگر توجه کند که خدا از ضعیفان حمایت می‌کند و رفتار پرخاشگرانه بدون پاسخ نمی‌ماند و چه بسا در همین دنیا زمینه‌هایی را فراهم می‌سازد تا پرخاشگر به ضعف و عجز بیفتد و با مشکلات فراونی دست و پنجه نرم کند. توجه به این سنت الهی همسران را علاقه‌مند می‌سازد تا نسبت به رفتار خویش کنترل داشته باشند و از آزار و اذیت یکدیگر پرهیز کنند (فقیهی، ۱۳۷۹، ص ۱۴۲-۱۴۴).

ج) پرهیز از مرء و جدال غیر احسن

بر اساس آموزه‌های دینی، همسرانی که عقلانیت و محبت در میان آنها وجود داشته باشد، از مرء و جدال غیر احسن پرهیز می‌کنند. حضرت علی (ع) می‌فرماید: «کسی که دارای اندیشه‌های یقینی و صحیح عقلانی است، رغبتی به مرء با دیگران ندارد»^۱ (آمدی، ۱۳۷۳، ج ۵، ص ۳۵۲) و «کسی که خود را به مرء مشغول می‌سازد، به آن فردی که با او به مرء پرداخته، علاقه ندارد»^۲ (همان، ج ۶، ص ۳۶۲). یعنی اگر آنها با هم رابطه محبتی داشته باشند، به خود اجازه نمی‌دهند بر حرف خود اصرار بورزند و از یکدیگر نکته بگیرند و به یکدیگر اهانت نمایند و بخواهند برتری خود را نسبت به یکدیگر ثابت کنند.

مرء و جدال غیر احسن از رفتارهای منفی است که از عدم حاکمیت عقل و محبت در روابط همسران ناشی می‌شود و به گفته نراقی (۱۳۸۳ق، ج ۲، ص ۲۸۵)، خاستگاه بسیاری از رفتارهای ناپسند در زن و مرد است و با تدبیر عقلانی و روابط عاطفی می‌توان به مصونیت از آن دست یافت و از تأثیرات تربیتی عمیق در روابط کلامی، احساسی و عملی خودشان و هر کسی که با آنان مرتبط است، برخوردار شوند. همسران برای پیشگیری از مرء و جدال غیر احسن و مدیریت گفتگوهای خودشان باید:

۱. «من صحّ یقینه زهد فی المرء».

۲. «لا محبّه مع کثرة مرء».

اولاً: توجه کنند که نگرش منفی و کم‌محبتی نسبت به یکدیگر، منشأ مرء در آنان می‌شود.

ثانیاً: مرء و نکته گرفتن از گفته‌های همسر به انگیزه اهانت و تحقیر وی و اظهار برتری و هوشمندی خود در گفتگوها گناه است. همان‌طور که جدال غیر احسن و اصرار ورزیدن بر یک حرف و اعتقاد که منشأ آن عداوت و حسادت است و انگیزه معرفت صحیح و ارشاد در آن نیست، گناه است و نباید گفتگوهایشان را آلوده به این پلیدی‌ها بسازند.

ثالثاً: زوجین باید بدانند که بر اساس مدلول روایات متعددی، استمرار این دو نوع ارتباط کلامی در زندگی، به غفلت از خدا، نفاق و دورویی و افزایش کینه و دشمنی میان آنان می‌انجامد (کلینی رازی، ۱۳۹۱ق، ج ۲، ص ۳۰۰) و مهر و الفت به یکدیگر را می‌زداید و نه تنها مانع رشد و تعالی خودشان می‌شود و آنان را در دام شرها و فتنه‌های غیر قابل جبران گرفتار می‌سازد بلکه اقوام و جامعه را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد و از پیشرفت و تعالی اخلاقی آنان نیز جلوگیری می‌کند (فقیهی، ۱۳۷۹، ص ۱۶۰).

د) نیک‌رفتاری

هنگامی که در اندیشه‌ورزی صحیح و بیش نعمتی، به کفایت و طیب بودن همسر پی برده می‌شود و نیازهای روانی همچون محبت برآورده می‌شود، جز رفتار زیبا از همسران صادر نمی‌گردد^۱ (آمدی، ۱۳۷۳، ج ۳، ص ۳۶۹). اصولاً عمل از ویژگی‌های شخصیتی، وجدان و ما فی الضمیر آدمی حکایت دارد^۲ (همان، ج ۱، ص ۸۰) و کسی که منش اخلاقی‌اش شایسته است، معاشرت و رفتارهایش در ارتباط با دیگران، نیکو می‌شود^۳ (آمدی، ۱۳۷۳، ج ۵، ص ۲۳۸). البته در صورت منفی‌نگری و سوء ظن، وجدان ناسالم و ناکارآمد، در فرد پرورش پیدا می‌کند و سبب سوء رفتار می‌گردد^۴ (همان، ص ۲۳۸). همان‌طور که عملکرد نیک چون شکر و سپاس از نعمت‌ها و خدمات همسر، ترجمه انگیزه‌های مثبت و زبان وجدان ارزشمند وی محسوب می‌شود^۵ (همان، ج ۱، ص ۳۴۳).

۱. «جمیل الفعل، ینبئ عن طیب الاصل».

۲. «العمل عنوان الطویبه».

۳. «من حسن خلیفته، طابت عشرته».

۴. «من ساء ظنّه، ساءت طویته».

۵. «الشکر ترجمان النیة و لسان الطویبه».

از دیگر سو، در آموزه‌های دینی بسیار زیاد بر نیک‌رفتاری^۱ همسران نسبت به یک دیگر تأکید شده است (دیلمی، ۱۳۷۶ ج ۱، ص ۷۳) و از رفتارهای بد و مخرب که آثار سوء روانی و تربیتی بر یکدیگر می‌گذارد و تماماً معصیت خداست^۲ (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۵، ص ۴۲۱) بر حذر داشته شده‌اند تا آنان بتوانند با همنشینی خوب و الگوی حسنه رفتاری برای یکدیگر در فراهم‌سازی تحولات تربیتی و معنوی هم دیگر مشوق، معین و تأثیر گذار باشند. از جمله نیک رفتاری های زوجین نسبت به هم، تعاملات نیکوی عاطفی آنان است که در احادیث بسیاری بر آنها تأکید شده است. رسول اکرم (ص) بر لزوم اکرام و احترام به همسر سفارش کردند^۳ (نوری، ۱۴۰۸، ج ۱، ص ۴۱۲) و خودشان همسرانشان را گرمی می‌داشتند و بهترین همسر برایشان بودند و توجه دادند که کسی که خود باشخصیت و محترم است به همسر احترام می‌گذارد و جز لئیم به همسر اهانت نمی‌کند^۴ (متقی هندی، ۱۳۹۷، ج ۱۶، ص ۳۷۱). همچنین احترام کنندگان به همسر را بهترین افراد امت اسلامی نامیده‌اند^۵ (همان، ج ۱۵، ص ۸۳۵) و نیز مردم را خانواده خدا دانسته و محبوب‌ترین آنان را پیش خدا آن کسی معرفی کرده است که به خانواده‌اش نیکی می‌کند^۶ (محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۷، ص ۲۱۰). از نظر آن حضرت، رفتار شفقت‌آمیز و دلسوزانه و ملایم زوجین نسبت به یکدیگر آن قدر مهم است که سبب بهشت رفتن کسی می‌شود که هیچ کار نیکی ندارد و او را به رفتن به بهشت امیدوار سازد^۷ (همان، ج ۱۶، ص ۳۷۹). ایشان ملایمت همسر را نسبت به همسر، میمون میمون و مبارک و خشونت را برای آنان شوم و بدبختی دانسته و فرموده است: «هرگاه خدا برای خانواده‌ای خیر بخواهد رفتار ملایمت‌آمیز را نصیبشان می‌کند؛ زیرا ملایمت هیچ گاه با هیچ چیز همراه نمی‌شود، مگر اینکه آن چیز را زینت می‌بخشد و خشونت

۱. «... حسن العمل...».

۲. از امام رضا(ع) سؤال شد که رفتارهای بد به چه مفهوم است؟ ایشان فرمود: معصیت پروردگار... «فما سوء

العمل؟ قال: معصية الله عزو جل».

۳. «من اتخذ زوجة فليكرمها».

۴. «... وانا خير کم لاهلی ما اکرم النساء الا کریم و ما اهانهن الا لئیم».

۵. «الا أخیرکم بخیارکم... و اکرم زوجته اذا قدر».

۶. «الخلق عيال الله فاحب الناس الى الله من احسن الى عياله».

۷. «يؤتى بالرجل من امتي يوم القيامة و ما له من حسنة تُرجى له الجنة فيقول الرب تعالی: ادخلوه الجنة، فانه كان يرحم عياله».

هرگز با چیزی همراه نمی‌شود مگر اینکه آن چیز را زشت می‌کند»^۱ (محمدی ری شهری، ۱۳۸۷، ص ۲۱۸). نیک رفتاری‌هایی چون خوشحال کردن^۲ (متقی هندی، ۱۳۹۷، ج ۱۶، ص ۷۰۸)، هدیه دادن^۳ (همان، ج ۶، ص ۳۷۱)، نشستن در کنار هم^۴ (ورام، بی‌تا، ج ۲، ص ۱۲۲)، سازگاری^۵ (دیلمی، ۱۴۰۶، ج ۲، ص ۳۰۱)، و همه رفتارهای نیک دیگری که زوجین در تعاملات کلامی، احساسی و عملکردها انجام می‌دهند؛ مورد توصیه مؤکد پیامبر گرامی اسلام (ص) است (دیلمی، ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۷۳) و ایشان خواسته‌اند که زوجین از رفتارهای بدی چون اهانت و تحقیر (مشکینی، ۱۴۰۶، ص ۲۵۵)، سخت‌گیری (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۶، ص ۳۶۷)، آزار دادن (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۶، ص ۳۶۵)، دست‌درازی (نوری، ۱۴۰۸، ج ۱۴، ص ۲۵۰)، خیانت (صدوق، ۱۳۶۷، ج ۴، ص ۳۶۵)، ستمگری (صدوق، ۱۳۰۷، ص ۴۲۹)، امانت‌دار نبودن (حکیم، ۱۳۸۶، ص ۴۳۶)، تهمت زدن (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۰۳، ص ۲۴۹)، ناسزاگویی (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۶۹، ص ۱۱۵)، تنها غذا خوردن و با همسر سر سفره حاضر نشدن (همان، ص ۱۱۶)، نپذیرفتن عذر همسر و نبخشیدن خطا (طبرسی، ۱۴۱۴، ص ۲۰۲) و انجام کارهای زشت دیگر (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۰، ص ۹۴) پرهیز کنند.

ه) تقویت عشق به پروردگار

روابط محبت‌آمیز و عاشقانه همسران با عشق و محبت به خداوند همبستگی کامل دارد. رضای مطلوب غریزه جنسی همسران، با شکوفایی مجموعه‌ای از توانمندی‌های سرشتی در روابط و تعاملات زوجین به هم پیوند خورده است و عشق و عاطفه همه‌جانبه‌ای را پدید می‌آورد؛ توانمندی‌هایی که به صورت نیاز و خواسته در آنان تعبیه شده است. این خواسته‌ها، عواطفی چون: آرامش‌خواهی، محبت‌طلبی، خداجویی و دوست داشتن خدا، فضیلت‌خواهی، زیباطلبی و حقیقت‌جویی و دوست داشتن حقیقت است که با تدابیر عقلی و در سایه هدایت‌های رسولان الهی پرورش می‌یابند و روابط

۱. «الرفق یمن والخرق شوم و اذا اراد الله باهل بیت خیرا أدخل علیهم الرفق، فان الرفق لم یکن فی شیء قط الا زانه، و انّ

الخرق لم یکن فی شیء قط الا شانه».

۲. «من ادخل علی اهل بینه سرورا...».

۳. «... فلیرجع الی اهله بهدیة...».

۴. «جلوس المرء عند عیاله احب الی الله تعالی من اعتکاف فی مسجدی هذا».

۵. «الزوجة المواتية عون الرجل علی دینه».

مطلوب و عشق شایسته همسران را سامان می‌دهند. محور این روابط، عشق و محبت به خدا و فضیلت است و هر عشق دیگری با این محور معنی پیدا می‌کند و به میزانی که این محور در روابط زوجین نمود بیشتری می‌یابد، روابط عاشقانه آنان از سلامت بیشتری برخوردار خواهد بود.

چنین عشق و محبتی، ممدوح است و دارنده آن قابل ستایش؛ زیرا عشقش در طول و در طریق عشق به پروردگار است. از چنین عاشقی جز خوبی صادر نمی‌شود و همه گفتارها، احساسات و عواطف و رفتار جنسی‌اش دوست داشتنی، ارزشمند، زیبا و کامل است. چنین فردی در روابط خود با همسر به زیبایی‌های خدادادی عشق می‌ورزد و رضایتمندی از آنها را در دل احساس می‌کند و در زبان و جوارح آشکار می‌سازد. در چنین عشقی، دیگرخواهی به عنوان نعمت الهی وجود دارد و از خودخواهی و هواهای نفسانی خبری نیست. سراسر تعاملاتشان با یکدیگر با نشاط و شادی همراه است و از ناراحتی و بی‌حوصلگی خبری نیست؛ روابط جنسی آرامش‌بخش، نیروزا و لذت‌آور است و آنها را از بی‌تفاوتی، قهر، آزاررسانی و خشونت باز می‌دارد.

همسران با ارضای خواسته‌های طبیعی و نیازهای سرشتی و ابراز عشق به یکدیگر، به خداوند عشق می‌ورزند و در ارتقا بخشی به درجات عشقشان به خدا با یکدیگر مسابقه می‌دهند و هر دو در این مسابقه برنده‌اند. چنین عشق‌هایی که از فطرت آدمی نشئت گرفته و اقتضای شکوفایی ابعاد محبتی، انسی، زیباطلبی، کمال‌جویی، ارزشمندی و نیازهای طبیعی همسر و با تدبیر عقلانی آنان، همراه است و پیامدهایش محبت و دلدادگی به نعمت خداوندی، آرامش، تعالی و رشد معنوی، همکاری، فداکاری و ایثار و از خود گذشتگی است، در حقیقت عشق الهی است. از این رو است که امام سجّاد(ع) از ساختار روابط جنسی و پیوندی که میان لذت جنسی با مهرورزی، انس با یکدیگر و آرامش زن و مرد دارد، به عظمت یاد کرده و شاهکار قدرت خداوند خوانده است و آن را حق همسران دانسته تا هر یک در برآوردن این حق برای همسرش باید با توکل بر قدرت الهی جدید نمایند^۱ (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۰ق، ص ۲۶۸).

عاشق بودن امام علی(ع) که در دیوان امام علی(ع) و منابعی دیگر چون شرح نهج البلاغه ابن‌ابی‌الحدید و روضة‌الواعظین نقل شده است که می‌گویند: آیا تو عاشق

۱. «فان لها حق الرحمة و المؤمنة و موضع السكون اليها قضاء اللذة التي لا بد من قضائها و ذالك عظيم، و لا قوة الا بالله».

شده‌ای؟ امام(ع) فرمود: آیا روزی بر من می‌گذرد که عشق در من نباشد!^۱ (نیشابوری، بی‌تا، ج ۲، ص ۴۱۸)، به همین مفهوم است.

این عشق غیر از رابطه جنسی است که صرفاً یک رابطه خودخواهانه و حیوانی است و با تش، نادیده گرفتن حقوق و ضایع کردن فضائل انسانی همراه است و آشفتگی خانوادگی، بزهکاری اجتماعی، تهدید اخلاق و معنویت، آسیب‌های روانی و زیانمندی در دنیا و آخرت را در پی خواهد داشت. چنین عشقی چشم عاشق را از دیدن واقعیات کور، دلش را بیمار می‌کند و نگرشش ناسالم و ارزیابی‌اش از واقعیات درست نخواهد بود.^۲ چنین عشقی معمولاً با غفلت از خدا و نافرمانی او همراه است (محمدی ری شهری، ۱۳۸۴، ص ۲۲۱) و یا صرفاً با نگاهی شهوی پدید آمده^۳ (همان، ص ۲۲۲) و یا در یک لحظه و بدون تأمل و بدون ارزیابی صحیح دل پذیرایش شده است (همان، ص ۲۲۴)؛ چنین عشقی پیامدهایش زدودن شیرینی ایمان از دل فرد (همان، ص ۲۲۶)، غم و غصه زیاد و طولانی و هلاکت و نابودی است (همان، ح ۳۹۹ و ۴۰۰).

بنابراین، از دیدگاه اسلامی عشق‌های جنسی که منشأ آن صرفاً احساس و شهوت است و تحت نظارت و کنترل عقلانیت نیست و با دیگر جنبه‌های فطری آدمی پیوندی ندارد؛ عشق واقعی و انسانی نیست. در عشق انسانی زن و شوهر، مهر، صفا و صمیمیتی است که به تدریج و در طول زمان و در معاشرت دائم و اشتراک در خوشی‌ها و ناخوشی‌های زندگی و انطباق یافتن روحیه آنها با یکدیگر خود را نشان می‌دهد و آثار مطلوبی را در زندگی آنان پدید می‌آورد (مطهری، ۱۳۸۸، ص ۹۸). این عشق نه تنها در زبان اظهار می‌شود^۴ (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۵، ص ۲۳۷)، بلکه در مجموعه احساسات و رفتارشان منعکس می‌گردد و بر اساس آموزه‌های دینی، هیچ گفتار و هیچ ابراز احساسات و هیچ عملکردی از آنان صادر نمی‌شود، مگر آنکه محبت و عشق در آن دیده می‌شود. اگر این عشق استمرار یابد و عوامل اجتماعی آن را آلوده نسازد و

۲. «يقولون لی بالله هل انت عاشق فقلت و هل یوماً خلوت من العشق».

۳. «و من عشق شیئا اعشى بصره، وامرض قلبه، فهو ينظر بعین غیر صحیحة».

۳. «ایاکم و فضول النظر، فإتته بیدر الهوی و یوئد الغفلة».

۲. امام صادق(ع) می‌فرماید: زن در روابط بین خود و شوهر همدلش، از سه خصلت بی‌نیاز نمی‌باشد که یکی ... اظهار عشق با دلربایی است. «لا غنی بالزوجة فیما بینها و بین زوجها الموافق لها عن ثلاث خصال و هن ... و اظهار العشق له بالخلافة»

تمتع زوجین همان طوری که اصول عفاف و تقوا ایجاب می‌کند به یکدیگر اختصاص یابد، حتی در دوران پیری که شهوت خاموش است و قادر نیست زوجین را به یکدیگر پیوند دهد، آن عاطفه صمیمانه و عاشقانه سخت آنها را به یکدیگر پیوند می‌دهد و پیوسته آرامش را در زندگی می‌گستراند (مطهری، ۱۳۸۸، ص ۹۹). عشق واقعی زن و مرد، جذب و انجذابی است که در اثر وصال و نزدیکی کمال می‌یابد و در سراسر زندگی آنان یگانگی، مودت و رحمت سایه می‌اندازد و ربوبیت و لطف و رحمت بی‌پایان خداوند حکیم علیم را در روابط عاطفی و انسانی خویش نشان می‌دهند^۱ و سعادت جاوید یکدیگر را تضمین می‌کنند (همان، ص ۱۰۰).

بحث و نتیجه‌گیری

از ریشه‌های مهم روابط زن و شوهر نسبت به همدیگر، توانمندی‌های عاطفی و کشش‌های معطوف به یکدیگر است که حتی بر خودمحوری آنها غلبه می‌کند و فعالیت‌هایشان را براساس همدردی، همدلی، محبت و از خودگذشتگی سامان می‌دهد. زن و شوهر با به جریان انداختن توانمندی‌های بالقوه عاطفی به شکل مثبت و کارآمدی بر روند تربیتی یکدیگر تأثیر می‌گذارند. این توانمندی‌ها می‌توانند شناختی و نگرشی و یا به صورت رفتاری و عملکردی باشند.

در آموزه‌های دینی بر بهره‌گیری از توانمندی‌ها و روابط عاطفی در جهت اهداف تربیتی و معنوی بسیار تأکید شده است؛ به گونه‌ای که روابط چهارگانه فرد با پروردگار، خود، دیگران و جهان هستی در یک ساختار شخصیتی واحد، مفهوم و معنی پیدا می‌کند. شکوفاسازی این توانمندی‌ها باعث ارتقاء شناخت یقینی و ایمان، ساماندهی عواطف و انجام عملکرد مدبرانه و زمینه‌سازی برای نیل به حیات طیب می‌شود. روابط عاطفی همسران در این زمینه از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است؛ زیرا در آموزه‌های اسلامی بر نقش تربیتی همسران نسبت به یکدیگر از طریق روابط عاطفی مطلوب آنان با یکدیگر تأکید گردیده و آنان مسئول یکدیگر معرفی شده‌اند تا برای شکوفایی استعدادها و رشد و بالندگی یکدیگر کوشش کنند. رسول اکرم (ص) فرمود: «همه شما مؤمنان باید حافظ و راهنمای کسانی باشید که با شما هستند. مرد نسبت به خانواده‌اش،

۱. «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً؛ و یکی از نشانه‌های او این است

که از خود شما برای شما همسری آفرید تا با او آرام گیرید و میان شما مهر و محبت قرار داد (روم/۲۱).

حافظ و راهنما است و نسبت به هدایت و تربیت آنها مسئول است و زن نیز برای شوهر و بچه‌هایش حافظ و هدایت‌گر است و نسبت به تربیت و هدایت آنها مسئولیت دارد^۱ (بخاری، بی تا، ج ۲، ص ۹۰۱).

مسئولیت‌پذیری عاطفی زمینه را فراهم می‌سازد تا هر یک نقش مهمی در رشد اخلاقی، ارتباط‌های طیب^۲ کلامی، احساسی و عملکردی یکدیگر ایفا نمایند و از برخورد خشمگینانه، مرأ و جدال و بد اخلاقی‌ها و بد رفتاری‌ها هم پیشگیری کنند و همان طور که علامه طباطبایی (ره) بیان داشته است (۱۳۹۲ق، ج ۱۵، ص ۹۶)، از هر رفتار زشت خود را دور سازند. همچنین برای یکدیگر طیب باشند^۳ که این طیب بودن در ابعاد مختلف، عشقشان را به عشق خدا و فضائل انسانی پیوند دهند و همدیگر را به اعمال صالح سوق داده و حیات طیب^۴ را با یکدیگر تجربه نمایند.^۴

بر اساس آنچه که ذکر شد، بارز نمودن و شکوفاسازی توانمندی‌های عاطفی در میان همسران نه تنها روابط بین آن دو را در سطوح مختلف سامان می‌دهد، بلکه به ارتقاء و سالم‌سازی روابط با دیگران از جمله خدا و نیز جو خانوادگی سالم‌تر برای تربیت و پرورش فرزندان به دور از تنش و درگیری خواهد انجامید. بنابراین، توجه به این نکته در برنامه‌ریزی برای زوجین در جامعه از جمله کارگاه‌های آموزشی برای زوجین، جلسات مشاوره‌ای و... ضروری به نظر می‌رسد.

۱. «کلکم راع فمسئول عن رعیتة... والرجل راع علی اهل بیته و هو مسئول عنهم، والمرأة راعیة علی بیت بعلها و ولده و هی مسئول عنهم».

۲. «وَهُدُوا إِلَيَّ الطَّيِّبِ مِنَ الْقَوْلِ وَهُدُوا إِلَيَّ صِرَاطَ الْحَمِيدِ» (حج، ۲۴).

۳. «الطَّيِّبَاتُ لِلطَّيِّبِينَ وَالطَّيِّبُونَ لِلطَّيِّبَاتِ» (نور، ۲۶).

۴. «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنَّى وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً» (نحل، ۹۷).

منابع

- قرآن کریم (۱۳۸۸)، ترجمه و شرح مکارم شیرازی، قم: چاپخانه اسوه.
- نهج البلاغه (۱۳۸۱)، نشر موسسه فرهنگی تحقیقاتی امیرالمومنین (ع).
- الصحیفه السّجّادیه (۱۴۱۸ق)، قم: نشر الهادی.
- ابن شعبه حرانی، حسن بن علی (۱۴۰۰ق)، تحف العقول عن آل الرسول (ص)، به تصحیح علی اکبر غفاری، تهران: کتاب فروشی اسلامیة.
- آمدی، عبدالواحد (۱۳۷۳)، غررالحکم و دررالکلم، ترجمه محمد تقی خوانساری، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- البخاری، محمد بن اسماعیل (بی تا)، صحیح البخاری، بیروت: دارالمعرفه.
- الترمذی، محمد بن عیسی (بی تا)، سنن الترمذی (جامع الصحیح)، تحقیق: أحمد محمد شاکر، بیروت: دار الإحياء التراث العربی.
- حرّ عاملی، محمد بن الحسن (۱۴۰۹ق)، وسائل الشیعه، تهران: المکتبه الاسلامیه.
- حسینی زاده، سید علی (۱۳۸۶)، سیره تربیتی پیامبر (ص) و اهل بیت (ع)، تربیت فرزند، جلد اول، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- حکیم، سید محمدتقی (۱۳۸۶)، پیام پیامبر، قم: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- حکیمی، محمدرضا و همکاران (۱۳۸۰)، الحیاة، ترجمه احمد آرام، نشر فرهنگ اسلامی.
- دشتی، محمد (۱۳۸۱)، نهج البلاغه، نشر موسسه فرهنگی تحقیقاتی امیرالمومنین.
- دیلمی، حسن بن محمد (۱۳۷۶)، ارشاد القلوب، ترجمه علی سلگی نهاوندی، قم: نشر ناصر.
- دیلمی، شیرویه ابن شهردار (۱۴۰۶ق)، الفردوس بمأثور الخطاب، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۳۷۳)، المفردات فی غریب القرآن، تهران: المکتبه المرتضویه.
- صدوق، محمد بن علی ابن الحسین (۱۳۰۷)، الامالی، ترجمه آیت الله کمره‌ای، ج ۵، تهران: انتشارات کتابچی.
- _____ (۱۳۶۷)، من لا یحضره الفقیه، تحقیق محمد جواد غفاری، زیر نظر استاد علی اکبر غفاری تهران: نشر صدوق.
- _____ (۱۳۸۶)، ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، ترجمه محمدرضا انصاری محلاتی، نشر نسیم کوثر.

طباطبائی، سید مصطفی (۱۳۵۴)، فرهنگ نوین، عربی - فارسی، تهران: انتشارات کتابفروشی اسلامی.

طباطبائی، محمد حسین (۱۳۹۲ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، تهران: دارالکتب الاسلامیه. طبرسی، ابی نصر الحسن ابن الفضل ابن الحسن (۱۴۱۴ق)، مکارم/اخلاق، تحقیق علاء آل جعفر، الطبعة الاولى، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.

طریحی، فخرالدین (بی تا)، مجمع البحرین، تهران: المکتبه المرتضویه. فقیهی، علی نقی (۱۳۷۹)، شیوه اصلاح مشکلات رفتاری در تربیت اخلاقی از دیدگاه ملا مهدی نراقی، کتاب ۲ تربیت اسلامی، ویژه تربیت اخلاقی، قم: نشر تربیت اسلامی.

_____ (۱۳۸۵)، «مبانی و اصول تربیتی در روابط زن و شوهر از منظر قرآن و حدیث»، دو فصلنامه تربیت اسلامی، شماره ۳، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه. فیض الاسلام، علی نقی (بی تا)، بنادر البحار، ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار، انتشارات فقیه.

الکلینی رازی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۲)، الفروع من الکافی، تهران: دارالکتب الاسلامیه. _____ (۱۳۹۱ق)، اصول الکافی، تهران: دارالکتب الاسلامیه.

متقی الهندی، علی بن حسام الدین (۱۳۹۷ق)، کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال، تحقیق حسن روزق، تصحیح صفوه السقاء، بیروت: مکتبه التراث الاسلامی. مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳ق)، بحار الانوار، بیروت: مؤسسه الوفاء.

محمدی ری شهری، محمد (۱۳۸۴)، حکمت نامه جوان، قم: سازمان چاپ و نشر دارالحدیث. _____ (۱۳۸۷)، تحکیم خانواده از نگاه قرآن و حدیث، ترجمه حمیدرضا شیخی، قم: انتشارات دارالحدیث.

مصباح یزدی، محمد تقی (۱۳۷۶)، اخلاق در قرآن، تحقیق و نگارش محمد حسین اسکندری، قم: مؤسسه آموزش و پژوهش امام خمینی (ره).

مطهری، مرتضی (۱۳۶۸)، جاذبه و دافعه علی علیه السلام، چ ۹، قم: انتشارات صدرا.

_____ (۱۳۸۴)، نظام حقوق زن در اسلام، چ ۳۳، قم: انتشارات صدرا.

_____ (۱۳۸۵)، مجموعه آثار استاد شهید مطهری، قم: انتشارات صدرا.

_____ (۱۳۸۸)، اخلاق جنسی در اسلام و جهان غرب، چ ۲۶، انتشارات صدرا.

- مفید، محمد بن محمد بن نعمان (بی‌تا)، *الامالی*، تحقیق حسین استاد ولی و علی اکبر غفاری، قم: موسسه النشر الاسلامیه.
- المقری الفیومی، احمد بن محمد بن علی (۱۳۴۷ق)، *المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر للرافعی*، مصر: مطبوعات محمد علی صبیح و اولاده.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۸)، *قرآن کریم، شرح آیات منتخب*، قم: چاپخانه بزرگ قرآن کریم، انتشارات اسوه.
- نراقی، محمد مهدی (۱۳۸۳ق)، *جامع السعادات*، قم: مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان.
- نوری، میرزا حسین (۱۴۰۸ق)، *مستدرک الوسایل و مستنبط المسائل*، بیروت: مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث.
- نیشابوری، فتال (بی‌تا)، *روضه الواعظین و بصیره المتعظین*، قم: انتشارات رضی.
- ورام بن ابی فارس، لأبی الحسن (بی‌تا)، *تنبیه الخواطر و نزهة النواظر (مجموعه ورام)*، بیروت: دار التعارف و دار صعب.